

خیلواکی



استقلال

www.esteqlaal.net

دوشنبه ۰۲ اگست ۲۰۲۱

ملک ستیز

گلچینی از نظریات محترم ملک ستیز از فیسبوک

از سال ۱۹۸۷ به این سو دانشجوی حقوق بین‌الملل هستم و سال هاست در این زمینه کار و پژوهش می‌کنم. در این ۳۴ سال پیوسته آموخته‌ام که جامعه جهانی به معنای مشارکت دولت‌های جهان به منظور رسیدن به توسعه، صلح و رفاه بین‌الملل است. هرچند این نگاه سال‌هاست از سوی سایر کانون‌های علوم به تحقیق گرفته شده است. اما سایر عرصه‌های علوم و فلسفه بر چهار عنصر که ماهیت اصلی حقوق بین‌الملل را تعیین کرده و روابط بین‌الملل آنان را به جوهر اصلی خود تبدیل کرده است، هم باوری دارند:

نخست، هماهنگی و مشارکت برای امنیت بین‌المللی.

دوم، طرح سازوکارهای مفید و سازنده برای توسعه و شگوفایی جامعه‌ای بشری.

سوم، تلاش برای حفاظت زمین و محیط زیست که زمینه ساز زندگی بشریت است.

چهارم، تشریک مساعی برای حمایت و صیانت از عدالت، حقوق بشر، مشروعیت و حقوق بشرخواهانه بین‌المللی.

کاش فضایی مساعد می‌شد از وزرای خارجه آمریکا، روسیه، چین، ایران و پاکستان می‌پرسیدم:

دعوت‌های رسمی شما از رهبران طالبان که برخلاف چهار مؤلفه ماهوی حقوق بین‌الملل و روابط بین‌الملل عمل می‌کنند، به چه معنا است.

حالا، یا این است که طالبان با این چهار مؤلفه هم‌کار هستند و مشکلی ندارند، یا این که شما برخلاف ماهیت و ارزش‌های حقوق و مناسبات بین‌الملل عمل می‌کنید؟

۱ - اگر خودت زیر نام جهاد در هر سنگری می جنگی این تحلیل مرا بخوان. من از کسانی که سواد دارند، خواهش می کنم این تحلیل را برای جنگندگانی که به نام جهاد می جنگند، بخواند و توضیح دهد. ببین جنگ تو جهاد نیست. این جنگ هیچ ربطی به تو ندارد. من پنج دلیل برایت دارم: نخست، ترامپ بزرگ ترین قرارداد تسلیحاتی را با عربستان سعودی امضا و فعال کرد. بر بنیاد این قرارداد کمپنی های کلان صنعتگر امریکا به مقدار ۱۵۰ میلیارد دالر انواع مختلف جنگ افزار را به سعودی ها به فروش می رساند .

۲ - ایرانی ها که دشمن ستراتژیک و ایدیالوژیک امریکایی ها و سعودی ها هستند، بودجه نظامی خود را به گونه سرسام آوری بالا بردند و عالمی از سلاح و مهمات را از روسیه خرید کردند. (به دلیل محدودیت اطلاعاتی این ارقام فاش نشده است. اما گمان زده می شود که ایرانی ها در حدود ۳۵ درصد در خرید سلاح از روسیه ازدیاد آورده اند.)

۳ - فقر، بی کاری، گرمایش زمین، رهبران سیاسی خودکامه و مستبد، دزدی های حکومتی و سیاسی، ضعف فرهنگی و گسترش استبداد مذهبی از سوی همین ابرقدرت های نظامی جهان در کشور های اسلامی ترویج شده است .

۴ - گروه های مافیایی مواد مخدر، قاچاق انسان، جنایات سازمان یافته و دزدان تخصصی که از رهبران مفسد و خانواده های پول دار و هم قطاران چپاول گر باج گیری می کنند و در بسیار موارد شامل دولت هستند، به پارلمان ها، کابینه ها و حتی محاکم کشور های اسلامی راه پیدا کرده اند .

۵ - موج عظیمی از قربانیان، بی جاشدگان، مهاجرین، پناهجویان و آواره گان از کشورهای فقیر اسلامی به دور جهان سرگردان هستند. این گروه های کلان قربانیان جنگ وحشتناکی هستند به نام جهاد. حالا به نتیجه گیری من توجه نمایید:

نخست، امریکا و روسیه برای تولید و فروش سلاح نیاز به مشتریان پویا و دائمی دارد. پویاترین مشتریان سلاح کسانی اند که می جنگند. از این رو این دو دولت با تمام تلاش برای گسترش جنگ در میان دولت های اسلامی تلاش خواهند کرد. بهترین گزینه تضاد ریاض و تهران خواهد بود. زیرا این دو، دو جبهه کلان جنگ را در جهان به نیابت از خود مدیریت می کنند. بهترین بازار جنگ را همین ها فراهم کرده اند. در کجا؟ در عراق، یمن، افغانستان، لیبیا، سوریه، لبنان، فلسطین، کشمیر، مالی، نایجریا و....

دوم، سعودی و ایران باید سلاح خریداری شده را استفاده کنند. در غیر آن تجمع ذخایر سلاح بالای جان دولت هاست. سلاح کهنه باید مصرف شود. استفاده سلاح و نبرد برای منافع و ایدئولوژی سیاسی دو مکتب مهم اسلام که سعودی و ایران از آن نمایندگی می کنند، مهم ترین شاخص برای هژمونی قدرت میان این دو است .

سوم، امریکا و روسیه رهبران سیاسی جهان اسلام را به خوبی می شناسند. فرزندان آنان در غرب و شرق درس می خوانند، عیاشی می کنند و سپس به کشور های خود برمی گردند و زمام رهبری را می گیرند. روسیه و امریکا با همین رهبران خود خواه، مستبد و عیاش مشارکت ستراتژیک دارند چون منافع شان را تمثیل و اجرا می کنند .

چهارم، مگر این روسیه و امریکا روزانه و شبانه میزبان جنایت کاران سیاسی مافیایی همین دولت نیستند. این گروه های مافیایی به نام اعضای پارلمان، رهبران وزارت ها و رهبران سیاسی با جامعه جهانی تبادلات نظر دارند و از بانک ها و کازینو های غربی استفاده می کنند .

پنجم، مگر همین گروه های تروریستی که رهبران شان روزگاری بهترین شرکای ستراتژیک غرب و شرق بودند از میان فرزندان قربانیان و بی جا شدگان فقیر سربازگیری نمی کنند. مگر همین گروه های خطرناک نیستند که مدرسه دینی می سازند و فرزندان فقیر را به جبهه جنگ می فرستند؟!

حالا کجای این جنگ، جهاد است؟ هدف جنگ را روسیه و امریکا می سازد. سلاح اش را و اشننگتن و روسیه فراهم می کند. هدفش را کاخ سفید و کریملین می سازد. لذتش را عرب های شیخ نشین می برند. بازی اش را مافیا انجام می دهد. وقار و حیثیتش را رهبران فاسد گروگان گرفته اند و جنگش را تو می کنی، خونتش را تو می دهی و می ریزی، پدر و مادر تو از غمت کور می شوند، بیوه تو گدا و بلاخره فاحشه می شود و فرزندان تو به مانند تو می میرند. حالا نام این را گذاشته ای جهاد؟

سرزمین اعلامیه های سرگردان:

یکی از پراگندگی های رایج در افغانستان تعدد موضع گیری ها و عکس العمل هاست که از هر سو فواره می کنند. مثلا معاونین رییس جمهور چه نیازی به اعلامیه ها و موضع گیری ها دارند وقتی ارگ اعلامیه یا عکس العملی را مطرح کرده است. یا این که رییس جمهور سابق در باب سیاست خارجی چرا باید اعلامیه دهد. یا رهبران احزاب و تنظیم ها چرا در برابر کنش های منطقه ای،

عکس العمل های گرم و سرد و در برخی حالات داغ تر از اصل حادثه ارایه دهند. زشت تر این که این اعلامیه ها و عکس العمل ها در تناقض جدی با هم دیگر پخش می شوند. در این میان دولت های منطقه از میان طرف داران خود مزدورگیری و در برابر مخالفین خود برنامه ریزی می کنند. حالا شما هایی که در اریکه قدرت نشسته اید چگونه اعلامیه ای پخش می کنید که برخلاف سیاست خارجی و داخلی دولت حاکم است .

من به ماهیت اعلامیه های ارگ کاری ندارم. اما از دید روش های سیاست و قدرت این کار ناسزایی است. بدتر این که همه این اعلامیه ها از منافع ملی داد می زنند. این در حالیست که چنین روش، خود ریشه منافع ملی را می خشکاند .

برخی از این سیاسیون فکر می کنند که با پخش اعلامیه ای پویایی شان را به نمایش می گذارند. نه چنین نیست. این روش ضعف ادراک شما را از مفاهیم چون سیاست، قدرت و اقتدار به نمایش می گذارد. این روش به صورت خاص در موضع گیری های سیاست خارجی نارواست. شما به جای موضع گیری در امور سیاست خارجی تلاش کنید تا تحقیق و تحلیل سیاست خارجی را بهبود بخشید، آن گاه از راه نقد بر سیاست ملی در سیاست خارجی تغییر و بهبود فراهم سازید.

تو چگونه از ملت شدن گپ می زنی وقتی در اداره، رهبری، مدیریت، منابع و سازمان دهی ات یک فرد را از اقوام دیگر راه نمی دهی. ملت شدن تنها شعار های دروغین نیست. ملت شدن جریان خون خود در پیکر دیگران است تا درد و دستاورد مشترک خلق کند. شرم است، خجالت بکش، تو از طالب بدتر هستی!

مخاطب من آنانی هستند که بر کرسی های قدرت لمیده، به دروغ شعارهایی ملی ادا می کنند و در باطن نفرت پراگنی قومی را هدف قرار داده اند. اینان بدتر از طالبان هستند. طالب جمهوریت را نشانه گرفته ولی اینان جامعه را تیرباران می کنند.
(انتخاب و ارسالی محترمه ملالی موسی نظام)

پایان